

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

استاد روانشاد، علامه احمد علی کهزاد  
فرستاده: "بنیاد فرهنگی کهزاد"

## نامه شاه شجاع

### عنوانی الله قلی پادشاه اورگنج

#### متن عهدنامه میان ایشان

متن نامه: « الحمد لله رب السموات و العرش العظيم و الصلوة و السلام على افضل بريته [؟] رسول الكريم و على خلفاء و الراشدين باحكام شريعت والدين و على عباد الله الصالحين المتقين العلماء و المحققين. اما بعد همواره ذات معدلت ايات زيور سرير سلطنت و كامگاري پيرايه اورنگ مملکت و بختياري شگفتگی بخش رياض شريعت بيضا تازگی افزای حدایق ملت حنيفه غرا مؤسس ميانی اخوت و اتحاد و مجدد قواعد مواحدات و داد پادشاه والاجاه حفظ الله تعالى از جميع عوارضات روحانی و جسمانی در حفظ و صيانت يزدانی مسلم و مصون بوده محفل آرای عيش و شادمانی و انجمن پيرای جمعيت و کامرانی باشند. درین هنگام فرخی انتظام بحکم حضرت احکم الحاکمین مرة بعد اولی و کرة بعد اخرى بوارق جهان افروز معدلت و شهرياری و شوارق بدعت سوز نصف و جهانداري فروغ انداز نشيب و فراز مملکت موروثه گشته روز بروز احکام قضاء انتظام آئين شاه خلد آرامگاه شاه دُر دران انار الله برهانه جاری و ساری شده ميروود چنانچه رعایای دار السلطنه کابل و اشرف البلاد احمد شاهي بزير سایه عدل و انصاف شاهنشاهی آسوده و معمور گشته بشکر از نعمت الهی موظف میباشند. ذالک فضل الله بوتيہ من یشاء و همچنین رجای صادق و امید قوی بدرگاه حضرت خالق جهان آفرین است که یوماً فیوماً ترقی مدارج و افزونی معارج سلطنت باهره موروثه نواب همایون ما بنا بر استحقاق قدیمه میسر و متحقق آید از آنجا در بین داعیه عليه از مبادی آوان الی آلان سرکار دولت بهیه انگلیسیه بر سبیل استعانت و استعداد دوستانه و الفت محبانه داد مردانگی و همت دارند و حقوق یگانگی و محبت فیما بین کما هو حقه اداء نمودند مطمح نظر و مکنون خاطر انور آنست که روی ترتیب عهد و میثاق و ترویج رویه یگانگی و وفاق که فیما بین اکابر اجداد امجاد جانبین رحمة الله عليهم اجمعین مربوط و منوط بود تجدیداً رونق انتظام و پیرایه استحکام پذیرد و دوستان خیر اندیش صواب کیش دولت ما از روی یکرنگی دوست و محب آن شاه والاجاه شوند. بناءً على هذا نصب العين است که نواب همایون ما واسطه دوستانه شده الفت و موانست خیر اندیشان با وفا و صواب کیشان با صفا یعنی سرکار دولت بهیه انگلیسیه با آن شاه والاجاه با صدق و علا برسانیم و آن شاه والاجاه با باقی اقبا [؟] و صدقای خویش همین شیوه شایسته محبت سرکار دولت جلیه [جلیلیه] انگلیسیه مربوط دارند تا آمد و شد این سبیل و اهل تجارت و امنیت و رفاه رعیت هر سه سرکار با عزت و اقتدار از ابتدای قلمرو آن سلطنت قوی بنیان و این مملکت ترقی اقتران الی منتهای ممالک هندوستان بوجه اسهل و آسان رواج و جریان پذیرد و بساط درستی سرکار دولت رفیعه انگلیسیه چه در ممالک سلطنت ما و چه در احاطه مملکت آن شاه والاجاه و چه در اکناف و اطراف دور و نزدیک دوستان جانبین گسترده و برافراشته

گردد. در این معنی کمال خیر خلق الله و نهایت منافع بلا انتها متحقق تواند بود. وکیل معتبر این دولت ابد مدار ملحقاً با وکیل آن شاه عالیقدر بالتصال این نامه توود [تودد] مضمون و تذکره عهد و میثاق مشحون بهره اندوز دولت ملاقات فرخی آیات شریف خواهد شد. باقی ایام سلطنت و کامرانی جاودانی باد برب العباد.»

متن عهدنامه: «هو الولی التوفیق. باعث بر تحریر این وثیقه العهد و الميثاق و غرض از تقریر این تذکره الرفق و الاتفاق آنکه چون همه احوال مومنین ابرار و جمله اعوان مسلمین اخیار موافق آیه وافی هدایه المومنون اخوة متفق اللفظ و المعنی بوده حکم شخص واحد و خاصیت متحد دارند خصوصاً سلاطین معدلت شعار و خواتین انصاف اطوار را سزد و زیبد که در عالم اسباب از امورات دنیوی و روابط خسروی که از دیاری به دیاری و اقلیمی به اقلیمی منافع کثیره و فواید متکثره مشترکه دارند از حسن مواد و جوهر اتحاد بظهور آوردن چاره و گریز نتوان بود صواب اندیشی همدگر جویند و راه سلوک پویند چنانچه آباء و اجداد شریف آن شاه و الاجاه با اعظم قدماء و منیف این دولت ضوابط یگانگی منوط و روابط ارسال رسل و رسایل یکرنگی مضبوط داشتند و رعایای بلاد محروسه جانبین به همین وسیله در کمال حدت منفعت و نهایت امنیت آسوده و بهره اندوز میبودند. بناءً علی هذا قران مجید و فرقان حمید را تبرحاً و تیمناً وسیله بقای بنای دوستی و برادری دانسته از حضرت ولی التوفیق موافقت ولی و مصادقت کلی دولتین در خواست کردیم و چون ابنای رعایای مملکت همیشه استغاثه گویان و تظلم کنان بعرض میرسانند که از یکی پدر و از دیگری پسر و برادر جبر در آن حدودیت اسیر شده به چند جا فروخته شدند و در آن قلمرو تصرف و تسلط دوستان و برادران حضور اشرف مساویست استدعای رهائی اقربای خود داریم لهذا بر ضمیر منیر واضح و لایح باد که چون در ممالک وسیله از هر قبیل مردم میباشند که خلقت موجودات عالم درجات مختلف دارد همچون انگشتان دست همه آنان یکسان نمیباشند. پس کسانی که در اماکن دور و نزدیک آن مملکت بدین سوء عمل گرفتار بوده در فروختن اخوان مومنین مشغول کار اند عبرت داده در رفع بنیان آنها توجه کامل مصروف دارند تا رخنه بدعت هذا از دارالاسلام بر طرف شود و هم غدر و شید مزاهمت [مزاحمت] دوستان و دیگر داعیه داران باوطن دارالاسلام پیدا نشود و احدی را هوس غلبه و خیال مداخلت دورانه در آن مملکت باقی نماند و شکر گزاری معدلت و ظل گستری دولتین بر زبان رعایای سلطنت جانبین جاری گردد. البته بر طبق قرارداد قدیم عهد و پیمان تازه هذا ترتیب شده که الی بقتة العمر پیش نهاد خاطر طرفین بوده در خیر و شر همدیگر شریک و از روی یگانگی و جذبه محبت ولی با یکدیگر نزدیک خواهیم بود. بنابراین این چند سطور [سطر] بطریق عهد نامه لازم الوثوق صورت ترقیم و پیرایه ترسل یافت. تحریر فی پنجم شهر رجب المرجب ۱۲۵۶ هجری.»

متن نامه و عهد نامه شاه شجاع عنوانی الله قلی پادشاه اورگنج که بالا از نظر خوانندگان گرامی گذشت، دو سند بسیار مهم تاریخی است. کوشش شاه شجاع مبنی بر تجدید استقرار روابط قدیمه با شاه اورگنج غرابت ندارد، آنچه تازه به نظر میخورد صرف مساعی ایست که شاه سدوزائی راجع به استقرار روابط هند انگلیسی و خودش و پادشاه اورگنج بخرج میدهد و قراری که از نظریات سیاسی آن وقت انگلیس ها راجع به خان نشین های آسیای مرکزی هویداست، کوشش شاه شجاع در بین زمینه در اثر هدایات آنها بعمل آمده است.

عهدنامه ای که متن آن بالا نشر شد، علاوه بر استقرار روابط دوستی یک نکته عجیب دیگر هم دارد و آن جلوگیری از آدم فروشی است. از این متن چنین بر می آید که در آن دوره مردمان اورگنج برخی کسانی را که از افغانستان بدست شان می افتاد، دست به دست برده و میفروختند. شاه شجاع نظر به شکایت بعضی اتباع خویش جلوگیری از چنین بدعتی را از پادشاه اورگنج تقاضا میکند. / ۱۲ جوزا ۱۳۳۷ /